



## The Principles Governing the Study of Evidence in Iranian Criminal Law

Amir Mohammadi

Master of private law, Islamic Azad University, Ilam Science and Research Unit, Ilam, Iran

Soheyla Moradi GHaleh

Master of Criminal Law and Criminology, Adib Mazandaran Non-Profit University, Mazandaran, Iran (Corresponding Author)

Mohammadmahdi Heydari

Master of Criminal Law and Criminology, Islamic Azad University, Khomein Research Sciences Unit, Khomein, Iran

## اصول حاکم بر تحصیل دلیل در حقوق کیفری ایران

امیر محمدی

کارشناس ارشد حقوق خصوصی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات ایلام، ایلام، ایران

amir.mohamadii3571@gmail.com

سهیلا مرادی قلعه

کارشناس ارشد حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشگاه غیرانتفاعی ادیب مازندران، مازندران، ایران (نویسنده مسئول)

soheilamoradi@yahoo.com

محمد مهدی حیدری

کارشناس ارشد حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم تحقیقات خمین، خمین، ایران

mohamad1736h@gmail.com

### Abstract

Evidence in lawsuits, especially in criminal lawsuits, has a special place and importance, and gathering evidence means obtaining and creating evidence, which is considered as one of the most important elements of the criminal proceedings process, and without it, the possibility of attributing criminal behavior to the perpetrator or it will not be possible to prove his innocence and, as a result, to carry out the punishment and protective and educational measures or declare his innocence. In criminal matters, reasons are not prepared in advance, but after the criminal event, they should be collected. The most important defense rights of the accused, which should be taken into consideration in order to protect the rights of individuals and their human dignity, in addition to respecting the principle of acquittal, the right to use the assistance of a lawyer, to explain the accusation, to prohibit insinuations and omissions of the accused, the right to have it the right to remain silent and impartial in the proceedings. In this regard, respect for the defendant's defense rights is related to the concept of protecting the rights of individuals and respecting the human status of human beings, and the violation of these rights harms human dignity and leads to ignoring the rights of individuals, deviating from the principle of legality and legitimacy in the acquisition of evidence, which in the end, makes the evidence obtained by not observing the defense rights of the accused invalid and inadmissible. Therefore, the cited reasons should be valid and studied with legal methods and refrain from resorting to invalid reasons that are studied with illegal methods.

**Keywords:** Studying the Evidence, The Accused, Proving the Crime, Attributing the Crime, Discovering the Truth.

### چکیده

ادله در دعاوی به ویژه در دعاوی کیفری، جایگاه و اهمیت خاصی دارند و تحصیل دلیل به معنای به دست آوردن و ساختن دلیل است که به عنوان یکی از مهم‌ترین ارکان فرایند دادرسی کیفری مطرح بوده و بدون آن، امکان انتساب رفتار مجرمانه به مرتکب و یا اثبات بی‌گناهی وی و در نتیجه اجرای مجازات و اقدامات تأمینی و تربیتی و یا اعلام برائت و بی‌گناهی وی، ممکن نخواهد بود. در امور کیفری، دلایل از قبل آماده نمی‌شوند، بلکه بعد از واقعه مجرمانه باید در پی جمع‌آوری آن‌ها بود. مهم‌ترین حقوق دفاعی متهم که در مقام تحصیل دلیل و به منظور صیانت از حقوق افراد و کرامت انسانی آن‌ها باید مورد توجه قرار گیرد، علاوه بر احترام به اصل برائت، حق استفاده از معاضدت وکیل، تفهیم اتهام، منع تلقین و اغفال متهم، حق برخورداری از حق سکوت و ترافعی بودن دادرسی است. در این راستا احترام به حقوق دفاعی متهم به مفهوم صیانت از حقوق افراد و احترام به جایگاه انسانی بشر است و نقض این حقوق، لطمه به کرامت انسانی می‌زند و موجب نادیده انگاشتن حقوق افراد، عدول از اصل قانونمندی و مشروعیت در تحصیل ادله می‌شود که در نهایت، ادله اکتسابی‌ای را که با عدم رعایت این حقوق دفاعی متهم به دست آمده است، بی‌اعتبار و غیرقابل پذیرش جلوه می‌دهد. بنابراین دلایل مورد استناد باید معتبر و با شیوه‌های قانونی تحصیل شوند و از توسل به دلایل غیرمعتبر که با شیوه‌های غیرقانونی تحصیل می‌شوند، خودداری کرد.

**واژگان کلیدی:** تحصیل دلیل، متهم، اثبات جرم، انتساب جرم، کشف حقیقت.

Received: 2022/09/28 - Review: 2023/01/14 - Accepted: 2023/02/04

مدیریت مقاله: ۱۴۰۱/۰۷/۰۶ - بازنگری مقاله: ۱۴۰۱/۰۸/۰۳ - پذیرش مقاله: ۱۴۰۱/۰۸/۱۵

ارجاع:

محمدی، امیر؛ مرادی قلعه، سهیلا؛ حیدری، محمد مهدی؛ (۱۴۰۱)، اصول حاکم بر تحصیل دلیل در حقوق کیفری ایران، تمدن حقوقی، شماره ۱۳.

Copyrights:

Copyright for this article is retained by the author (s) , with publication rights granted to Legal Civilization. This is an open-access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution License (<http://creativecommons.org/licenses/by/4.0>) , which permits unrestricted use, distribution, and reproduction in any medium, provided the original work is properly cited.



CC BY-NC-SA



#### مقدمه

یکی از مسائل قابل تأمل در فرایند دادرسی کیفری که محل بحث قرار گرفته و در چهارچوب آنچه باید باشد بررسی می‌شود، تحصیل دلیل توسط طرفین پرونده کیفری و نیز مرجع رسیدگی کننده به آن می‌باشد. تحصیل دلیل به معنای مجموعه عملیات مادی‌ای است که توسط آن، عناصر مبین ارتکاب جرم و انتساب آن به متهم، جمع‌آوری و به دادرس کیفری ارائه می‌گردد، به طوری که جمع‌آوری و تحصیل ادله در مرحله تعقیب یکی از مراحل مهم در روند دادرسی کیفری است. به عبارت دیگر کشف حقیقت مطلق و صدور حکم عادلانه بر اساس آن، مهم‌ترین هدف دادرسی‌های کیفری است و این مهم جز از طریق تحصیل دلیل امکان‌پذیر نخواهد بود. وظیفه دادرس کیفری، یافتن حقیقت و صدور حکم بر مبنای آن است و چنین امری نیازمند و در گرو اعمال و اجرای اصل آزادی تحصیل دلیل در دادرسی‌های کیفری است. بدین مفهوم که نوع دلایل قابل ارائه در یک دادرسی کیفری نباید از قبل و توسط قانون‌گذار تعیین شود. به بیان دیگر، جرایم باید با هر نوع دلیلی قابل اثبات باشند (حیدری و فتحی، ۱۳۹۳، ۲).

با توجه به پدیده جهانی شدن و گرایش به ایجاد یک نظام جهانی دادرسی کیفری و کمبودهایی که در نظام‌های ملی کیفری خصوصاً در سیستم ادله اثبات دعوی جزایی مشاهده می‌گردد، طبیعتاً گرایش به رویکرد انسان محور و حقوق بشری در جمع‌آوری و ارائه دلایل کیفری، با استقبال بیشتری روبه رو گردیده که این امر بیانگر ضعف‌های موجود در نظام حاکم بر ادله اثبات دعوی کیفری در چهارچوب

سرزمینی و تمایل به برقراری یک نظام مبتنی بر آرمان عدالت کیفری خواهد بود (نعمت‌اللهی و قمی کاهریزی، ۱۴۰۰، ۴۵). در امور کیفری، سازوکار دلیل جستجوی حقیقت مادی است. به همین جهت است که به قاضی اجازه داده شده فراتر از ادله اظهاری طرفین قدم بگذارد و با توجه به اقناع وجدان خود، دعوا را فیصله دهد؛ زیرا در محاکمات کیفری همانند دادرسی‌های مدنی فقط با دو طرف دعوا رو به رو نیستیم، بلکه فراتر از مجرم و مجنی علیه، اتخاذ تصمیم قاضی هم در راستای دفاع از جامعه در برابر رفتارهایی است که به نظم و امنیت عمومی لطمه وارد می‌سازد و هم تحت تأثیر اندیشه تأمین آزادی متهم و احترام به حیثیت انسانی وی قرار می‌گیرد. اصل موضوع در دادرسی جزایی جلوگیری از جرایم و جنایات، اعمال مجازات و اصلاح مجرم است و منحصرأ جبران ضرر و زیان مالی شخص، نیست. دلیل در امور کیفری همچون چراغی فراسوی مسیر دادرسی از لحظه کشف جرم تا صدور حکم قرار می‌گیرد تا در نهایت برای اثبات جرم یا نفی اتهام مورد استفاده قرار گیرد و در تمامی این مراحل وحدت تئوری دلیل حاکم است (تدین، ۱۳۸۸، ۳۳).

قاضی دادگاه در امر حقوقی تابع سیستم دلایل قانونی و در امر کیفری تابع سیستم دلایل معنوی که همان اقناع وجدانی قاضی را به دنبال دارد است. نظر مشهور فقها و قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ بیانگر این موضوع است که قاضی در امور کیفری چه در حق الله و چه در حق الناس به منظور روشن شدن حقیقت و واقعیت می‌تواند تحصیل دلیل انجام بدهد و از علم خود که همان علم قاضی است استفاده کند. در رویه قضایی دیوان کیفری بین‌المللی نیز همین روش و دیدگاه حاکم است و همگی معتقدند که تحصیل دلیل باید مبتنی بر اصول و قواعدی باشد که بدون رعایت آن‌ها دلیل ارزش و اعتبار ندارد (حلالخور میرکلا و همکاران، ۱۳۹۹، ۱۷۰). مهم‌ترین و مشکل‌ترین بخش در جمع‌آوری ادله، انتساب آن به متهم است و مرجع تعقیب باید هویت متهم را به اثبات برساند. زیرا در این خصوص فرض مجرمیت وجود ندارد و باید با بررسی دقیق ادله و کشف ارتباط آن با فردی خاص و انتساب جرم به وی، وقوع جرم را ثابت نمود. برخلاف امور حقوقی که به طور معمول طرفین یک رابطه حقوقی در هنگام ایجاد حقوق و تکالیف ناشی از آن، به ایجاد دلیل اثبات آن مبادرت می‌ورزند تا در موقع لزوم نسبت به الزام طرف مقابل به اجرای تعهدات خود اقدام نمایند، در امور کیفری، اصولاً اثبات وقایعی مطرح است که تحقق آن‌ها از پیش معلوم نبوده و کسی در صدد تهیه دلیل اثبات آن نیز بر نیامده است (خالقی، ۱۳۸۸، ۴۰۳). روش‌های تحصیل دلیل تابع ضوابطی هستند که عدول از این ضوابط، دلیل را نامعتبر ساخته و به

دلیل نامعتبر یا باطل نمی‌توان اتکا نمود. جهت دستیابی به قواعد مناسبی برای شناخت دلایل معتبر از نامعتبر، می‌توان به اسناد و مدارک جهانی حقوق بشر رجوع نمود. در این اسناد، اصول کلی تحصیل دلیل همچون اصل براءت مورد عنایت قرار گرفته است. در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و مقررات قانون آئین دادرسی ایران در اصول و مواد مختلفی، به درستی، قواعد تحصیل دلیل گنجانیده شده است. بدین ترتیب که قانون‌گذار خواسته است این قواعد منشأ اثر قرار گیرند و تجاوز به این قواعد با حکم عدم اعتبار دلیل مؤخذه مواجه گردد. بنابراین در این مقاله اصول حاکم بر تحصیل دلیل در حقوق کیفری ایران مورد بررسی قرار می‌گیرد.

### ۱- مفهوم دلیل در امور کیفری

دلیل در امور کیفری هر وسیله یا شیوه قانونی که برای اثبات جرم و انتساب آن به متهم یا نفی اتهام و با هدف کشف حقیقت مورد استفاده قرار می‌گیرد. در حقوق، دلیل در دو مفهوم به کار گرفته می‌شود. نخست در مفهومی اخص، به هر وسیله‌ای گفته می‌شود که در قانون پیش‌بینی شده و در مرجع قضایی سبب اقناع وجدان دادرس به واقعیت امر مورد ادعا شود، در این مفهوم برای مثال گواهی دلیل شمرده می‌شود. دوم در مفهومی اعم، عمل فراهم آوردن وسایلی است که وجدان دادرس را اقناع کند. به کار بردن اصطلاح دلیل در حقوق چه در معنای اعم و چه در معنای اخص، هدف از آن را که نمایاندن و تشخیص و کشف واقعیت است تغییر نمی‌دهد. گرچه نباید از نظر دور داشت گاهی واقعیتی که با دلیل نمایان می‌شود با واقعیت امور به گونه‌ای که رخ داده یا وجود دارد، منطبق نیست و گاهی با ارائه دلیل امری واقع نمایانده می‌شود که واقع نمی‌باشد. بنابراین نمی‌توان گفت که دلیل برای ایجاد اعتقاد به وصول حقیقت است، بلکه باید گفت دلیل برای واقع نمایاندن امر مورد ادعاست (شمس، ۱۳۸۶، ۸۲).

تحصیل دلیل، به معنای به دست آوردن و ساختن دلیل است. سیستم قضایی کشور در برخورد با رفتارهای خلاف نظم عمومی و ارزش‌های فردی و اجتماعی و اختلافات موجود در روابط میان افراد، قائل به تفکیک رسیدگی به امور حقوقی و کیفری شده است. بی‌شک هر یک از این دو نوع رسیدگی دارای ویژگی‌ها و خصوصیات خاص خود می‌باشد که البته علت این امر را می‌توان در منشا و اهداف متفاوت هر یک از این دو عنوان کرد. بنابراین باید گفت هر یک از این دو نوع رسیدگی در کیفیت و نحوه تحصیل دلیل نیز با هم متفاوت هستند و دارای تشریفات خاصی در رسیدگی می‌باشند (مهدوی ثابت و محرابی، ۱۳۹۱، ۴۵).

مفهوم اصل مشروعیت تحصیل دلیل یک مفهوم نسبی است و عدم رعایت مشروعیت در تحصیل دلیل در برخی موارد دلایل قانونی را از اعتبار نمی‌اندازد بلکه شیوه تحصیل دلیل نباید فرایند دادرسی را از چهارچوب معیارهای دادرسی عادلانه و منصفانه در محاکمات کیفری بین‌المللی خارج سازد و باعث تعرض به حقوق متهم گردد. دلیل در امور کیفری، خطی را ترسیم می‌کند که مراحل مختلف دادرسی کیفری را از لحظه کشف جرم تا صدور حکم، به هم پیوند می‌دهد. به همین علت، عملکرد مجریان عدالت کیفری، در تمام نظام‌های حقوقی، پس از کشف جرم یا آگاهی یافتن از وقوع آن، حول محور جمع‌آوری ادله و سپس، ارزیابی و سنجش آن‌ها دور می‌زند (تدین، ۱۳۸۷، ۴۴).

هدف از به کارگیری ادله، به دست آوردن قناعت وجدان و جزم و یقین است و قناعت وجدان نیز در امور کیفری، زمانی حاصل می‌شود که قاضی به یقین و جزم رسیده باشد، چرا که صدور رأی همراه با شک و تردید، ارزش قضایی ندارد. در دادرسی‌های کیفری، هر شک، اعم از ضعیف و قوی، باید به نفع متهم تفسیر شود و این، از قاعده عقلی براءت ناشی می‌شود. منظور از جزم و یقین، معنای خاص آن نیست که هیچ احتمال خلافی در آن داده نشود یا قاضی در جهل مرکب باشد. زیرا چنین حالتی، به ندرت حاصل می‌شود. بنابراین علم عادی و اطمینان عرفی، مورد نظر است یعنی حالتی که فرد را نسبت به تصمیم خود، مطمئن سازد هرچند درصد ضعیفی هم، احتمال خلاف آن داده شود. سازوکار دلیل در امور کیفری، جستجوی حقیقت مادی مطلق یا واقعیت است و بر همین اساس، در دادرسی کیفری، حضور فعال دادرس در کاوش ادله و دست یازیدن به واقعیت است که به عدالت کیفری تعجس می‌بخشد.

در نظام دلایل قانونی، قانون‌گذار، برای جلوگیری از اعمال سلیقه‌های مختلف قضات و اجحاف در حق متهمین، قواعد مشخص و تعریف شده‌ای را برای کشف جرم و اثبات دعوی، مقرر می‌کند تا قضات و دادرسان، به صورت هماهنگ و یکنواخت و بر اساس قواعد و مقررات از پیش تعیین شده، به دادرسی اشتغال ورزند. در این نظام، نقش اصولی را طرفین دعوا ایفا می‌کنند و قاضی مانند داور بی‌طرف است که نقش سلبی و منفی دارد. این نظام به جای اجرای عدالت واقعی، درصدد اجرای عدالت قضایی است و بر دو اصل، استوار شده است یکی این که، ادله را قانون تعیین می‌کند و توجیه این اصل نیز، آن است که اگر ادله احصاء نشوند، حقوق مردم، در معرض تضییع قرار می‌گیرد و مصلحت نیز اقتضا می‌کند که قضات در چهارچوب همین ادله، قضاوت و اتخاذ تصمیم کنند. دوم آن که، اعتبار ادله و سلسله‌مراتب آن‌ها را نیز، قانون معین می‌نماید و در واقع، قانون، مقرر می‌دارد که برای

برخی دعاوی، ادله خاصی مورد استفاده قرار گیرند. قانون‌گذار، دلایل معتبر و مشروع را تعیین می‌کند و منطقاً به این ترتیب، دلایل غیرمعتبر و نامشروع نیز شناسایی می‌شوند. به عبارت دیگر، هم دلیل و هم نحوه گردآوری دلیل، باید قانونمند باشند. در واقع، فقط دلایلی قابلیت استناد دارند که مشروع باشند و قانون آن‌ها را ممنوع نکرده باشد (مشروعیت دلیل) و این دلیل مشروع و قانونی، به شیوه‌های مشروع نیز تحصیل شده باشند (مشروعیت تحصیل دلیل).

ارائه دلیل ظاهراً قانونی و مشروع، چنانچه به شیوه‌های نامشروع و غیرقانونی، تحصیل شده باشد یا به عبارت دیگر، رعایت امانت در تحصیل آن نشده باشد، در برخی موارد، سبب سلب ارزش اثباتی آن دلیل می‌گردد. اصل آزادانه بودن تحصیل دلیل در پرتو اصل قانونی بودن تحصیل دلیل (مشروع بودن تحصیل دلیل) تعدیل یافته است. لذا به هیچ وجه نمی‌توان از جایگاه قانونی دلیل، به‌ویژه در دادرسی‌های کیفری، غفلت کرد. زیرا قانون است که به یک دلیل، اعتبار می‌بخشد و دلیل دیگر را فاقد ارزش، معرفی می‌کند. قانون، هنگام تحصیل دلیل، راهکارهای لازم را ارائه کرده و با تعیین ضوابطی، مقابل اعمال خودسرانه، می‌ایستد.

## ۲- کیفیت تحصیل دلیل در حقوق ایران

در پرونده‌های کیفری به‌ویژه در مرحله دادرسی، قاضی در راستای اثبات مجرمیت یا براءت متهم، مبادرت به جستجو، تحقیق و جمع‌آوری ادله می‌نماید. در تحصیل دلایل، شرایط تحقیق باید به گونه‌ای باشد که اراده آزاد افراد حفظ شود. چرا که آزادی از اجزای عدالت است و عدالت حکم می‌کند که چنین شرایطی برای آدمیان فراهم شود (نعمت‌اللهی و قمی کاهریزی، ۱۴۰۰، ۵۸). در امور کیفری، آزادی دلیل مطلق نمی‌باشد و با توجه به ضرورت تحصیل دلیل به طریق قانونی و مشروع قاعده آزادی دلیل، محدود می‌گردد. به بیان دیگر دلیل وسیله اثبات واقعیت و کاشف حقیقت است و این حقیقت فقط در خدمت تأمین منافع خصوصی افراد زیان‌دیده نمی‌باشد و به این قلمرو محدود نمی‌گردد، بلکه از آن جا که ارتکاب جرایم، موجبات اخلال در نظم جامعه و امنیت عمومی را فراهم می‌کنند، لذا کشف حقیقت حمایت از منافع و مصالح عمومی اجتماع را نیز لحاظ می‌کند. گرچه کشف حقیقت هدف و منظور اساسی پرونده کیفری است، در عین حال نمی‌تواند به هر وسیله ولو نامشروع به دست آید (وروایی و رضایی فرد، ۱۳۹۷، ۹).

در امور کیفری همانند امور مدنی، می‌توان گفت مراجع قضایی کیفری فقط انواع دلایلی را می‌توانند مستند در حکم خود قرار دهند که در جلسه دادگاه مطرح و معروض مباحثه و مذاکره حضوری طرفین

دعوا قرار گرفته باشد. قاضی کیفری نمی‌تواند دلایل حاصل از اعمال تهدید، فشار، زور و شکنجه را مورد استناد در حکم خود قرار دهد. همچنین دلایل جمع‌آوری شده از طریق مجرمانه و غیرصادقانه قابل استناد نبوده و باید رد شود. بدین ترتیب، عکسبرداری و فیلمبرداری مخفیانه از یک مجلس مهمانی خصوصی یا نوار صدای ضبط شده اشخاص توسط افراد بدون مجوز قانونی صادره از سوی مقامات قضایی یا صورتجلسه تنظیمی توسط مأمورینی که بدون مجوز قانونی ورود به منزل دیگری اقدام کرده باشند، نباید مستند حکم قضایی قرار گیرد (گلدوزیان، ۱۳۸۲، ۲۲).

قانون احترام به آزادی‌های مشروع و حفظ حقوق شهروندی در مجلس شورای اسلامی می‌تواند ملاک روشنی برای کیفیت تحصیل دلیل در حقوق ایران باشد که عبارت است از: تأکید بر لزوم حاکمیت قانون در مراحل مختلف دادرسی کیفری (بند ۱ قانون)؛ تأکید بر احترام بر اصل برائت متهم و لزوم مسئول قانونی بودن مستندات (بند ۲ قانون)؛ رعایت حق دفاع توسط متهم و وکیل وی (بند ۳)؛ موازین قانونی استطلاع و تحقیق و اجتناب از ایدای افراد (بند ۶ قانون)؛ خودداری از تعرض به حقوق متهمان در ضمن بازرسی‌ها و معاینات محلی (بند ۸ قانون)؛ منع اخذ اقرار به عنف و شکنجه (بند ۹ قانون)؛ به کار بردن اصول و شیوه‌های علمی قانونی در تحقیقات و بازرسی‌ها (بند ۱۰ قانون)؛ منع کنجکاوی در اسرار شخصی و خانوادگی افراد (بند ۱۱ قانون)؛ درج پاسخ‌ها بدون تغییر و تبدیل (بند ۱۲ قانون)؛ خودداری از دخل و تصرف ناروا در اموال و اشیاء ضبطی و توقیفی متهمان (بند ۱۴ قانون). لازم به ذکر است، در نظام ادله قانونی اصحاب دعوا فقط مجاز به ارائه ادله‌ای هستند که قانون تعیین و مشخص کرده است که قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ مؤید این مطلب است که قانون کشور ما به سمت نظام آزادانه تحصیل دلیل می‌رود، به خصوص در جرائم تعزیری. ولی در حدود و قصاص این گونه نیست و آنچه قانون و شرع تعیین کرده باید به اثبات برسد و قاضی در دعاوی کیفری با ادله شرعی از قبیل اقرار و شهادت که موضوعیت دارد می‌تواند به علم خود عمل کند و چنانچه دلایل ارائه شده برخلاف علم قاضی باشد از درجه اعتبار ساقط است. بنابراین، دلایل وقتی قابل استناد است که دادرس دادگاه آن را بررسی کند و اعتبار آن دلیل و صحت آن را ثابت کند و به اقتناع وجدانی برسد و آن گاه مبادرت به صدور رأی کند (حلالخور میرکلا و همکاران، ۱۳۹۹، ۱۸۴).

### ۳- شیوه تحصیل دلیل در فرایند دادرسی

کاربرد دلیل در مسائل جزایی برا تحقق دو هدف صورت می‌گیرد. اول این که، باید بتواند وقوع فعل یا ترک فعلی را که از لحاظ قانون جرم شناخته می‌شود، ثابت کند. دوم این که، این فعل یا ترک فعل را به

متهم منتسب نماید. بنابراین شخصی یا مقامی که بار اثبات بر دوش اوست، باید عناصر سه گانه جرم را ثابت کند (آشوری، ۱۳۸۳، ۲۱۰). در جریان هر فرایند دادرسی ادله‌ای توسط طرفین پرونده یا مقام قضایی له یا علیه یک طرف دعوا طرح و در محضر دادگاه ارائه می‌شود. اولین و مهم‌ترین قید تقسیم‌بندی شیوه‌های گردآوری دلایل به قانونی یا غیرقانونی بودن آن مربوط می‌شود. بنابراین هرگاه در جمع‌آوری ادله، قانون و به تبع آن، آزادی و حقوق اساسی انسان‌ها رعایت شود، تحصیل دلیل مشروع و قانونی است. اما اگر در راه جمع‌آوری ادله ضوابط و مقررات قانونی نادیده گرفته شود و حیثیت و ارزش شخصیت والای انسانی و حقوق و آزادی‌های او نادیده گرفته شود دلیل کسب شده نامشروع و غیرقانونی خواهد بود.

در ارتباط با قانونی و مشروع بودن جمع‌آوری و تحصیل ادله، قاضی تحقیق در تحصیل دلیل علیه متهم نباید به اراده آزاد متهم لطمه وارد کند و متهم در حین بازجویی باید آزادانه و آگاهانه به سؤالات بازپرس پاسخ دهد. همچنین قانون‌گذار طرح سؤالات تلقینی یا اغفال‌کننده و سؤالات خارج از موضوع اتهام را ممنوع اعلام کرده است (ماده ۶۰ قانون آئین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲). تحصیل دلیل از طریق نامشروع به مواردی از جمله سؤالات تلقینی، اغفال، اکراه و اجبار، طلب سوگند و شکنجه اطلاق می‌شود. به همین منظور اصل سی و هشتم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران هرگونه شکنجه برای گرفتن اقرار و یا کسب اطلاع را ممنوع نموده و چنین اقراری را فاقد ارزش و اعتبار دانسته است و مرتکب چنین عملی به موجب ماده ۵۷۸ کتاب پنجم قانون مجازات اسلامی (تعزیرات) مصوب ۱۳۷۵ مجازات خواهد شد. عقل سلیم، انصاف و عدالت قضایی حکم می‌کند تا دلیلی که از ابتدا از طریق غیرقانونی و نامشروع تحصیل شده، فاقد اعتبار و ارزش قضایی و اثباتی باشد زیرا اصول حاکم بر ادله نمی‌پذیرد که به استناد این گونه ادله، افراد را مؤاخذه و محکوم کرد. زیرا دستگاه عدالت قضایی که هدف خود را ایجاد عدالت در جامعه و رعایت قانون است، با پذیرفتن ادله‌ای که از طریق غیرقانونی، تحصیل گردیده است، فلسفه وجودی خود را زیر سؤال برده است.

#### ۴- اصول حاکم بر تحصیل دلیل

در امور کیفری، ارتکاب جرم باعث ایجاد اختلال در نظم و امنیت اجتماع می‌شود و هدف دعوی کیفری، کشف حقیقت و دستیابی به بزه‌کار واقعی برای اعمال مجازات است. اصل آزادی تحصیل دلیل، مقتضی تحصیل دلیل به هر راه ممکن به منظور اعاده نظم از دست رفته جامعه است و مسلماً اعمال آن به نحو مطلق، آزادی‌های فردی و حریم خصوصی شهروندان را در معرض تضییع قرار می‌دهد (حیدری



و فتحی، ۱۳۹۳، ۱). علاوه بر دادستان یا شاکی، قاضی کیفری نیز در صورت لزوم باید به تکمیل ادله و حتی تحصیل دلیل جدیدی که در سرنوشت محاکمه مؤثر است بپردازد و همین امر بیانگر تفاوت نقش دادرسی کیفری و حقوقی است. در این راستا اصول حاکم بر تحصیل دلیل عبارتند از: اصل آزادانه بودن تحصیل دلیل و اصل لزوم مشروع بودن تحصیل دلیل.

#### ۴-۱- اصل آزادانه بودن تحصیل دلیل

امروزه، اکثر نظام‌های قضایی در کشورهای مختلف، برای کشف حقیقت و حل و فصل دعاوی کیفری، معمولاً به یکی از این دو شیوه پیروی می‌کنند: سیستم اقناع وجدان قضایی: در این سیستم، اصالت با نظر قاضی است و تشخیص وی، معیار کشف حقیقت است. در این سیستم، ادله اثبات دعوی، گسترده است و اگر ادله خاصی در قوانین ذکر می‌شوند، معنای آن، محدود بودن طرف اثبات دعوی به آن موارد نیست. در این نظام ادله طریقت دارند و دلیلی که از طرف قانون‌گذار تعیین می‌شود، بیشتر برای کمک و راهنمایی قاضی است و مأموریت عمده قاضی، تحصیل علم و یقین است. وی باید از طریق تحقیقات علمی و استنباط از دلایل یا از طریق مسائل انسانی و روانی، اقناع وجدان، حاصل کند. در این نظام، ارزش اثباتی ادله را بیشتر، خود قاضی تعیین می‌کند و اوست که باید تشخیص دهد ادله موجود برای اثبات ادعا کافی است یا نه.

سیستم ادله قانونی: این نظام، اصالت با قانون است و قاضی، حق تجاوز از چهارچوب تعیین شده در قانون را ندارد. در این نظام، دلایل دعوی، مشخص و محدودند و همیشه، قواعد ثابتی در زمینه دادرسی در نظر گرفته می‌شود. تعیین ارزش اثباتی ادله اثبات دعوا، بر عهده قانون‌گذار است و قاضی، صرفاً نقش اجرایی دارد و قانون‌گذار است که باید مشخص کند که در فلان موارد، از کدام ادله و با چه شرایطی استفاده گردد و برای اثبات فلان نوع دعوا، منحصرأ از چه دلیلی می‌توان بهره جست؟ ادله اثبات دعوا در نظام ادله قانونی، موضوعیت دارند و مأموریت عمده قاضی، کمک به تحصیل دلیل، بررسی و بازبینی آن‌ها و فراهم نمودن شرایط قانونی لازم برای صدور حکم است. هدف قاضی، نیل به حقیقت قضایی است و لذا به صورت بیشتر اهمیت داده می‌شود تا محتوا.

در نظام‌هایی که از سیستم اقناع وجدان قضایی پیروی می‌کنند، انواع ادله به طور دقیق، معین نمی‌شوند و تعداد آن‌ها، زیاد است. قاضی، در گردآوری و تعیین دایره ارزش آن‌ها، اختیار تام دارد. او می‌تواند در جریان دادرسی، به هر امری که بتواند موجب روشن شدن موضوع و اقناع وجدانش شود،

تمسک جوید. البته در این نوع نظام‌های قضایی نیز اموری به‌عنوان ادله اثبات دعوی که بیشتر مربوط به فرایند رویه قضایی می‌باشد، ذکر می‌شود، ولی تعداد ادله به آنچه در قوانین آورده می‌شود، محدود نیست. در نظام‌های قضایی که از سیستم ادله قانونی پیروی می‌کند، انواع ادله، به طور دقیق، معین می‌باشد و تعداد آن‌ها کاملاً محدود است. در این نوع نظام هم تعداد ادله پیشاپیش توسط قانون‌گذار تعیین شده، هم میزان ارزش آن‌ها، تبیین گردیده و هم اختصاصی بودن ادله توضیح داده شده است. در نظام اقناع ذاتی که به نظام آزاد ادله نیز شهرت دارد، طرفین دعوا، محدودیتی برای ارائه دلیل ندارند و قاضی نیز مجبور نیست برای احراز واقعیت، خود را پایبند به دلیل خاصی بنماید، همان‌گونه که در رتبه‌بندی و ارزش‌گذاری ادله، محدودیتی ندارند. البته منظور از عدم محدودیت، آن نیست که قاضی، هیچ قید و بندی در استنباط و استدلال خود ندارد. زیرا دادرسی کیفری و اثبات جرم نیز اصول و قواعدی دارد که نباید از آن‌ها، تخلفی کرد (زراعت و حاجی زاده، ۱۳۸۸، ۴۲).

مبنای نظام آزاد ادله، آن است که اثبات قضایی، به معنای اقناع وجدان است که آن را نمی‌توان به دلیل‌های خاصی محدود نمود. قاضی کیفری، علاوه بر ارکان مادی جرم، باید رکن معنوی را احراز کند و رکن معنوی، مربوط به دنیای درون آدمی است و به آسانی، قابل کشف نمی‌باشد. لذا قاضی کیفری باید از اختیارات زیادی جهت احراز این امر درونی، برخوردار باشد. به علاوه، اصل برائت، همواره حامی متهم است و نه تنها مصلحت فردی وی را مدنظر دارد بلکه در راستای حفظ مصلحت اجتماعی هم هست و این امر، اقتضاء می‌کند که جرائم، کشف شده و مجرمین به سزای عمل خود برسند و این مصلحت، در صورتی محقق می‌شود که به قاضی اختیار داده شود که جرم را به هر طریق ممکن، کشف کند. ضرر جرم نیز فقط متوجه قربانی نیست بلکه افراد زیادی متضرر می‌شوند که قاضی یا دولت، به نمایندگانی از سوی کل جامعه، باید از آن‌ها دفاع نمایند و در این راه از هر وسیله‌ای که مناسب می‌دانند، استفاده نمایند. از سوی دیگر، وسایل علمی جهت کشف جرائم، رو به فزونی گذاشته است. لذا نباید قاضی را محدود به ادله سنتی کرد بلکه وی، باید اختیار استفاده از شیوه‌های علمی را نیز داشته باشد. همچنین، محکوم نمودن افراد و اعمال مجازات بر آن‌ها، باید به صورت جزمی و یقینی باشد و با شک و تردید نمی‌توان حکم به محکومیت افراد داد. پس قاضی کیفری می‌بایست اختیار کافی برای احراز واقعیت داشته باشد.

به طور کلی در توجیه ضرورت پذیرش اصل آزادی در تحصیل دلیل باید به حفظ حقوق طرفین دعوا و نقصان نظام قانونی کسب دلیل استناد نمود. البته باید اضافه نمود که آزاد بودن تحصیل دلیل به

تنهایی موجبات مفسده خواهد بود و می‌تواند زمینه‌ای جهت ارائه دلایل ناموجه را فراهم آورد. بنابراین به نظر می‌رسد در نظام گردآوری ادله کیفری بهترین گزینه، تلفیقی از نظام قانونی و آزاد با یکدیگر باشد. بدین ترتیب که در موارد خلاء نظام قانونی به نظام آزاد کسب دلیل رجوع نمود و بالعکس (مهدوی ثابت و محرابی، ۱۳۹۱، ۴۷).

#### ۴-۲- اصل لزوم شروع بودن تحصیل دلیل

همیشه کشف جرم به راحتی و از طریق توسل به وسایل و راهکارهای قانونی امکان‌پذیر نیست، چرا که با پیشرفت علم و فناوری و پیچیده‌تر شدن جرایم و افزایش تبحر تبهکارانه مجرمان سابقه دار، دستگاه عدالت کیفری به دلیل ناکارآمدی روش‌های سنتی در کشف جرایم و دستگیری این دسته از مجرمان در اجرای وظایف خود با سختی و مشکلاتی رو به رو می‌شود. به‌عنوان مثال با پیدایش جرایم بدون بزه دیده نظیر جرم حمل و خرید و فروش مواد مخدر یا مشروبات الکلی یا اسلحه غیر مجاز و...، یا آن دسته از جرایمی که بزه دیدگان آن به رضایت خود به آن‌ها تن در می‌دهند، نظیر رشا و ارتشاء و یا به خاطر ترس از آبرو یا ترس از تهدیدهای بزه‌کار یا ترس از مواجهه با پلیس و حضور در کلازتری اقدام به طرح شکایت نمی‌کنند، چگونه می‌توان از پلیس انتظار داشت که اقدام به کشف این گونه از جرایم در مهلت مقرر بکند (یاراحمدی، ۱۳۹۳، ۷۵).

اصل تحصیل آزادانه ادله، اصولاً، مبتنی بر قابلیت پذیرش هر نوع دلیلی است ولی در عین حال، دلیل، باید در پرتو ضوابط قانونی، تعیین و حدود اعتبار آن، معلوم گردد. بنابراین اصول آزادی دلیل باید با اصل قانونی بودن هماهنگ شود و محدودیت‌های قانونی را پذیرا باشد. در یک رویکرد کلی، چهارچوب حقوقی اصل آزادی دلیل از یک طرف، به مرزهای دلیل مشروع و از طرف دیگر، مرزهای مشروعیت تحصیل دلیل، محدود شده است. ممنوعیت تحصیل و ارائه ادله فاقد ارزش قضایی خاص و تحصیل دلیل از روش‌های قانونی و مشروع، همگی به معنای تحدید اصل آزادی دلیل در قلمرو آئین دادرسی کیفری است. گرچه کشف حقیقت و نیل به واقعیت، منظور اصلی از اِعمال دادرسی کیفری است و به همین دلیل، اصل، آزادانه بودن تحصیل دلیل در رسیدگی‌های کیفری است اما این اصل، در مواجهه با اصل لزوم مشروعیت تحصیل دلیل، محدود شده است. نقش فعال قاضی در امور کیفری برخلاف نقش منفعل وی در دادرسی‌ها و امور مدنی دلیلی بر استفاده از هرگونه روش گردآوری دلایل، حتی شیوه‌های غیرقانونی و غیرانسانی نظیر اِعمال شکنجه و آزار، جهت اخذ اقرار از متهم، نیست.

قواعد و مقرراتی در این راستا، مقرر شده‌اند تا از خودکامگی و استبداد قضایی و از تمام عواقب ناگوار آن که همگی، موجبات بدبینی شهروندان به دستگاه قضایی و عدم اعتماد آن‌ها نسبت به نظام حاکم را فراهم می‌آورد، جلوگیری شود.

به طور کلی در دعاوی کیفری قاضی در تحصیل دلیل نقش تعیین‌کننده دارد. کشف حقیقت هدف و منظور اساسی توسل به ادله در پرونده‌های کیفری است، در عین حال این حقیقت نمی‌تواند به هر وسیله‌ای ولو نامشروع به دست آید. اصل مشروعیت تحصیل دلیل در قوانین مختلف کیفری و غیر کیفری گذشته و حال مورد تأیید قرار گرفته است، به طوری که می‌توان آن را مقید و مخصص اصل تحصیل آزادانه دلیل که در قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ همچون اصل ارزیابی آزادانه دلیل در تمامی جرایم مورد پذیرش قرار گرفته، دانست (نعمت‌اللهی و قمی کاهریزی، ۱۴۰۰، ۴۵). در رویه قضایی نیز، همواره، ادله اکتسابی از طُرُق نامشروع، غیر قابل پذیرش اعلام شده و هر آنچه که در فرایند دادرسی، انحراف ایجاد نماید، محکوم به رد و بطلان شناخته شده است. لذا در رویه قضایی، اصل مشروعیت تحصیل ادله نیز با تحدیدات خاص خود، به دنبال حمایت از حقوق افراد و امنیت شخصی آن‌هاست.

### ۵- استثنای اصل آزادی تحصیل دلیل

اگرچه به موجب اصل آزادی دلیل در امور کیفری، اثبات جرم به وسیله انواع و اقسام دلایل امکان‌پذیر است، لیکن تحصیل دلیل به هر شیوه‌ای پذیرفتنی نیست. دلیل باید با رعایت کرامت انسانی اشخاص و حفظ حقوق و آزادی‌های فردی تحصیل گردد و نحوه تحصیل آن به گونه‌ای نباشد که شأن و اعتبار سیستم عدالت کیفری را زیر سؤال ببرد. دادرسی نه هدف که خود وسیله‌ای است برای تشخیص اتهامات روا از ناروا. بنابراین در این زمینه تردیدی نیست که رعایت کرامت انسانی، حقوق بشر و به‌ویژه شخصیت افراد هرچند متهم و رعایت حق دفاع وی باید هدایت‌کننده قانون‌گذاران و قضات در تدوین و اجرای مقررات مربوط به ادله اثبات دعاوی کیفری به منظور تضمین یک دادرسی عادلانه باشد.

اصل مشروعیت تحصیل دلیل که به موجب آن تحصیل دلیل باید با رعایت ضوابط قانونی و حفظ کرامت انسانی و نیز با در نظر گرفتن شأن و منزلت سیستم عدالت کیفری و مأموران آن انجام گردد؛ تا حدود زیادی گستره اصل آزادی دلیل را ترسیم می‌نماید و همچنین اعمال و رعایت این اصل تا حدود بسیاری عامل ایجاد توازن میان مصالح عمومی جامعه که هدف اصل آزادی دلیل است و حقوق و آزادی‌های فردی شهروندان که با رعایت اصل مشروعیت تحصیل دلیل تضمین می‌گردد است. دستگاه

عدالت کیفری با توجه به هدف اصلی اعمال اصل آزادی دلیل که همان کشف حقیقت مطلق و صدور و حکم عادلانه و مجازات مجرمین می‌باشد، نمی‌تواند فقط به نتیجه و محصول کسب دلیل توجه کرده و از شیوه‌های انجام آن غافل شود چرا که در دادرسی کیفری باید بین مصالح عمومی و آزادی‌های فردی توازن برقرار گردد و یکی از روش‌های ایجاد توازن آن است که شیوه‌های تحصیل دلیل مورد توجه قرار گرفته و اگر در تحصیل دلیل مصلحت اشخاص و حقوق و آزادی‌های فردی و یا کرامت آن‌ها نادیده گرفته شده باشد، چنین دلیلی مورد پذیرش محاکم قرار نگیرد، چرا که با پذیرش دلیل حاصله از طرق غیرقانونی و نامشروع به طور ضمنی وضعیت مزبور تأیید گشته و ترویج پیدا خواهد کرد. بر این اساس رفتارهای ناقض حقوق فردی و کرامت انسانی در تحصیل دلیل نامشروع و غیرقانونی تلقی می‌شوند.

منظور از حقوق و آزادی‌های فردی، مجموعه توانایی‌ها و اختیارات قانونی است که به موجب قوانین به افراد جامعه اعطاء شده است از جمله حق حیات، حق آزادی و... همچنین کرامت انسانی به‌عنوان یکی از مهم‌ترین مفاهیم و ارزش‌های مورد حمایت در نظام حقوق بشر به مجموعه‌ای از اوصاف و عناصر اطلاق می‌شود که موجب تمایز ایشان از سایر موجودات می‌شود (جعفری، ۱۳۸۵، ۴۴). بنابراین در بحث تحصیل دلیل و در جهت رعایت مشروعیت آن و حفظ حقوق فردی و کرامت انسانی، احترام به تمامیت جسمانی روانی و حریم خصوصی افراد و رعایت حقوق دفاعی متهم ضروری است و رفتارهای ناقض این امور، طرق نامشروع تحصیل دلیل محسوب می‌گردند. لازمه رعایت حقوق فردی و کرامت انسانی افراد بشر این است که تحصیل دلیل بر اساس شیوه‌های مشروع و به دور از هرگونه خشونت و مطابق با ارزش‌های اخلاقی صورت گیرد. بر این اساس، رفتارهای خشونت‌آمیز در مراحل مختلف تحصیل دلیل و در هر شکل و شیوه‌ای ممنوع گشته است.

در مجموع قوانین کشورمان، پرهیز از هرگونه خشونت در تحصیل دلیل لحاظ گشته است و اعمال هرگونه شکنجه و اذیت و آزار برای کسب خبر و اطلاع و حتی اقرار متهم ممنوع بوده و شهادت، اقرار یا سوگند حاصل از اجبار به موجب قانون فاقد اعتبار است. همچنین برای متخلفین از این مقررات مجازات پیش‌بینی گشته است. به علاوه ماده ۱۹۵ قانون آئین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ نیز اجبار و اکراه متهم در هنگام بازجویی را ممنوع اعلام کرده است. لذا معتبر ناشناختن ادله به دست آمده از طرق نامشروع در مورد شکنجه و اذیت و آزار در حقوق کشورمان به رسمیت شناخته شده است. رعایت حریم خصوصی یکی دیگر از حقوقی است که افراد اجتماع از آن برخوردارند و نقض آن موجب نقض اصل مشروعیت

تحصیل دلیل می‌شود. مصونیت مسکن، منزل و اقامتگاه اشخاص از تعرض به صراحت در اصول سی و سوم و یکصد و بیست و دوم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران مورد توجه قرار گرفته است. همچنین قانون‌گذار ایران در قانون مجازات اسلامی ورود به منزل و مسکن دیگری توسط اشخاص عادی به عنف و تهدید و نیز داخل شدن مأموران دولتی به منزل دیگری بدون رعایت تشریفات قانونی و رضایت صاحب‌خانه را جرم و قابل مجازات دانسته است. رویه قضایی کشورمان نیز ورود به عنف یا تهدید در منزل یا مسکن دیگری و نقض حریم خصوصی اشخاص را جرم و قابل مجازات دانسته است.

رعایت حقوق دفاعی متهم یکی از مصادیق رعایت مشروعیت در تحصیل دلیل محسوب می‌شود. بر این اساس، دلیلی که با نقض حقوق دفاعی متهم کسب می‌گردد، قابل قبول نخواهد بود. حقوق دفاعی متهم که جزء جدایی‌ناپذیر دادرسی منصفانه در قوانین و مقررات داخلی و بین‌المللی بوده به معنای مجموعه امتیازات و امکاناتی است که در یک دادرسی منصفانه لازم است متهم از آن برخوردار باشد تا بتواند در مقابل ادعایی که بر خلاف فرض برائت علیه او مطرح شده، در شرایطی آزاد و انسانی از خود دفاع کند. از جمله مهم‌ترین حقوق دفاعی متهم حق استفاده از وکیل، تفهیم اتهام، منع تلقین و اغفال متهم، برخورداری از حق سکوت و ترافیعی بودن دادرسی است که باید در هنگام تحصیل دلیل و در جهت حفظ حقوق فردی و کرامت انسانی متهمین، مورد توجه قرار گرفته و رعایت گردد. تفهیم اتهام و نیز منع تلقین و اغفال متهم از دیگر حقوق دفاعی متهم است که با اصل مشروعیت در تحصیل دلیل ارتباط نزدیکی دارد. یکی دیگر از حقوق دفاعی متهم که می‌تواند با رعایت مشروعیت در تحصیل دلیل، مرتبط گردد حق سکوت اوست که به موجب ماده ۱۹۷ قانون آئین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ و اصل سی و هشتم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران به رسمیت شناخته می‌شود.

### نتیجه

با توجه به آنچه گذشت مشخص می‌شود، تحصیل دلیل یکی از مهم‌ترین مباحث حقوق کیفری است؛ زیرا در صورت فقدان یا نقص ادله تحصیل شده، اثبات مجرمیت متهم امکان‌پذیر نمی‌باشد. استناد به دلایل نادرست می‌تواند زمینه ساز انحراف قاضی باشد و گاه باعث محکومیت و مجازات افراد بی‌گناه، یا تبرئه مجرم می‌شود. اصل تحصیل آزادی دلیل از آن جا که منجر به شناسایی متخلف از قانون جزایی می‌گردد، اصلی مطلوب و ضروری در راستای تحقق آرمان حاکمیت قانون است. در توصیف دلیل کیفری، تأکید اصلی بر کشف حقیقت است. در این راستا احترام به حقوق تمامی مردم

از جمله احترام به حقوق دفاعی متهم هم برای تحقق آن آرمان لازم و ضروری است. اصل مشروعیت تحصیل دلیل بر مبنای اصل قانونمندی اداره دلیل که اساس آن هم احترام به کرامت و منزلت انسانی و حفظ اعتبار و شأن دادگستری بر می‌گردد، بنا شده است. این اصل به دنبال برقراری تعادل میان برخی از اصول دادرسی مانند آزادی تحصیل دلیل، احترام به کرامت و شأن اشخاص، رعایت امانت و صداقت در تحصیل دلیل، تساوی سلاح‌ها و... می‌باشد. در واقع اصل تحصیل دلیل با توسل به وسایل قانونی از جمله اصول بنیادین و تضمین‌کننده حقوق دفاعی متهم و دادرسی عادلانه و از آثار اصل برائت است. دلیل باید به شیوه مشروع و قانونی و بر طبق اصول و ضوابط حاکم تحصیل گردد؛ در غیر این صورت می‌بایست در راستای اصل برائت از اعداد دلایل خارج شود. در تعارض بین حقوق دفاعی متهم با آزادی تحصیل دلیل به نظر می‌رسد حقوق دفاعی متهم به لحاظ جنبه حقوق بشری باید بر آزادی دلیل تفوق پیدا کند و این موضوع، این فرضیه را ایجاب می‌کند که اصل تحصیل دلیل از راه‌هایی که به منجر به نقض حقوق دفاعی متهم می‌گردد، بلااثر باشد. به نظر می‌رسد قانون‌گذار در صورت ضرورت، باید ادله معتبر و واجد ارزش اثباتی را مشخص کند تا اصحاب دعوا از تحصیل و ارائه ادله‌ای که فاقد ارزش قضایی است، امتناع کنند و از سوی دیگر شیوه‌های صحیح تحصیل ادله معتبر و ضوابط خاص لازم‌الرعایه ناظر به آن‌ها و یا دست کم شیوه‌های ناپسند تحصیل دلیل را بیان و ارائه کند تا از توسل به روش‌های غیر قانونی در تحصیل و ارائه دلیل که نه فقط به مخدوش شدن خود دلیل منجر می‌شود، بلکه در پاره‌ای از موارد قابل تسری به کل تحقیقات است، اجتناب شود. از بررسی رویه قضایی در حقوق کیفری ایران این نتیجه برداشت می‌شود که بدون وجود دلیل امکان انتساب جرم و به تبع آن اجرای مجازات وجود ندارد. از این رو ادله معتبر و واجد شرایط اثباتی از سوی قانون‌گذار مشخص گردیده تا اصحاب دعوا از تحصیل و ارائه ادله فاقد ارزش قضایی امتناع کنند. همچنین شیوه‌ها و روش‌های تحصیل دلیل بایستی مشخص گردد تا از توسل به شیوه‌های نامشروع در قانون که گاه باعث بطلان دادرسی‌ها می‌گردد پیشگیری شود.

**ملاحظات اخلاقی:** موارد مربوط به اخلاق در پژوهش و نیز امانتداری در استناد به متون و ارجاعات مقاله تماماً رعایت گردیده است.

**تعارض منافع:** تعارض منافع در این مقاله وجود ندارد.

**تأمین اعتبار پژوهش:** این پژوهش بدون تأمین اعتبار مالی نگارش یافته است.

## منابع

- آشوری، محمد، ۱۳۸۳، **آئین دادرسی کیفری**، جلد دوم، چاپ چهارم، تهران، انتشارات سمت.
- تدین، عباس، ۱۳۸۷، اصل مشروعیت تحصیل دلیل در حقوق ایران و فرانسه، **فصلنامه تعالی حقوق**، شماره ۲۷ و ۲۸.
- تدین، عباس، ۱۳۸۸، **تحصیل دلیل در آئین دادرسی کیفری**، چاپ اول، تهران، انتشارات میزان.
- جعفری، عباس، ۱۳۸۵، بررسی حق حریم خصوصی، **فصلنامه تعالی حقوق**، شماره ۱.
- حیدری، الهام و فتحی، محمدجواد، ۱۳۹۳، گستره اصل آزادی تحصیل دلیل در دادرسی کیفری ایران و انگلستان، **فصلنامه مطالعات حقوقی**، شماره ۲.
- حلالخور میرکلا، مهدی، تدین، عباس؛ گلدوست جویباری، رجب، ۱۳۹۹، اصول و قواعد فقهی و حقوقی متناظر بر تحصیل دلیل در حقوق کیفری ایران با تأکید بر رویه قضایی دیوان کیفری بین‌المللی، **فصلنامه پژوهشنامه انتقادی متون و برنامه‌های علوم انسانی**، شماره ۱۱.
- خالقی، علی، ۱۳۸۸، **آئین دادرسی کیفری**، تهران، انتشارات شهردانش.
- زراعت، عباس و حاجی زاده، حمیدرضا، ۱۳۸۸، **ادله اثبات دعوا**، چاپ اول، تهران، انتشارات قانون مدار.
- شمس، عبدالله، ۱۳۸۶، **آئین دادرسی مدنی**، جلد سوم، چاپ دهم، تهران، انتشارات دراک.
- گلدوزیان، ایرج، ۱۳۸۲، **ادله اثبات دعوا**، چاپ دوم، تهران، انتشارات میزان.
- مهدوی ثابت، محمدعلی و محرابی، محمد، ۱۳۹۱، تحصیل دلیل در حقوق کیفری ایران و اسناد بین‌المللی، **فصلنامه قضاوت**، شماره ۷۷.
- نعمت‌اللهی، میثم و قمی کاهریزی، احسان، ۱۴۰۰، بررسی اصول حاکم بر جمع‌آوری دلیل در مقررات دادرسی کیفری ایران، **فصلنامه مطالعات حقوقی**، شماره ۱۶.
- وروایی، اکبر و رضایی فرد، ساسان، ۱۳۹۷، الزامات نهاد کشف جرم در رعایت اصل مشروعیت تحصیل دلیل ناظر بر اقرار، **مجله تحقیقات حقوقی تطبیقی ایران و بین‌الملل**، شماره ۴۲.
- یاراحمدی، حسین، ۱۳۹۳، دفاع دام گستره در مرحله کشف جرم و تحقیقات مقدماتی، **فصلنامه پژوهش‌های اطلاعاتی و جنایی**، شماره ۴.